

تأثیر زیارت مشهدالرضا (علیه السلام) بر کاهش

بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان

(مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی)

دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۵

اکبر طالب پور^۱، سیدعلی نقی ایازی^۲

چکیده

بی تفاوتی اجتماعی نوعی آسیب اجتماعی و مانع مشارکت اجتماعی است و عوامل متعددی از جمله سبک زندگی، باورهای مذهبی و... بر آن تأثیر می گذارد. مطالعه حاضر تأثیر زیارت مشهدالرضا (علیه السلام) بر بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی را مطالعه و بی تفاوتی دانشجویان را در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت مشهدالرضا (علیه السلام) بررسی کرده است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه بودند که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به حرم امام رضا (علیه السلام) مشرف شده اند که ۲۰۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند. روش تحقیق پیمایش با ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسش نامه بود. برای اندازه گیری اعتبار، از روایی محتوایی و برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج آزمون تفاوت میانگین ها نشان داد بی تفاوتی اجتماعی افراد در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت، در حد قابل ملاحظه ای تغییر یافته است. همچنین، نتایج نشان داد بین زیارت مشهدالرضا (علیه السلام) و میزان بی تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس، بین آنومی و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنادار مثبت و بین بی تفاوتی اجتماعی و اثربخشی اجتماعی، رابطه معکوس وجود دارد. متغیرهای مستقل تحقیق توانستند ۴۹٪ از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین کنند.

کلیدواژه ها: زیارت، مشهدالرضا (علیه السلام)، بی تفاوتی اجتماعی، احساس آنومی، مشارکت اجتماعی.

۱. دانشیار جامعه شناسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره) (نویسنده مسئول): Talebpour10@yahoo.com

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: Nayazi48@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

بی تفاوتی^۱ و ابعاد آن شامل بی تفاوتی در علاقه‌مندی، بی تفاوتی در رفتار، بی تفاوتی در رأی‌گیری (دین^۲، ۱۹۶۰: ۱۸۸) به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی عنوان می‌شود که در فرهنگ بیشتر کشورهای دنیا در قالب یک مسئله اجتماعی شناخته‌شده و عمومیت پیدا کرده است. کناره‌گیری افراد و بی توجهی آنان نسبت به محیط اطراف، دل‌سردی و بیگانگی نسبت به مسائل اجتماعی از موضوعاتی هستند که در مسائل اجتماعی و سیاسی، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان اجتماعی بوده است به طوری که بی توجهی نسبت به این موارد، بسترساز بی تفاوتی و در نهایت احساس پوچی در بین افراد جامعه به‌شمار آمده است (روزنبرگ^۳، ۱۹۵۵: ۳۴۹).

عواملی چون رشد صنعت و فناوری، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسار‌گسیخته جمعیت، حرکات وسیع جمعیتی، گسترش فرهنگ شهرنشینی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، رشد ارتباطات موزاییکی، عقلایی شدن رفتار انسان، گسترش منطق خشک محاسبه‌گری، فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادات مذهبی، سکولاریسم، و از بین رفتن هویت‌های گروهی و ملی را از جمله عوامل مؤثر بر بروز این پدیده برشمرده و معتقدند جوامع امروزی دوره‌ای از بحران در روابط انسانی را پشت سر می‌گذارند. به نظر ایشان، همان‌طور که مشارکت وسیع شهروندان در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی شرط مهم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، پس عدم مشارکت شهروندان و شیوع بی تفاوتی نیز یک عامل قوی در توسعه‌نیافتگی است (مسعودنیا: ۱۳۸۰: ۱۵۲).

انسان به مشارکت اجتماعی تمایل دارد و دارای توانایی ارائه پیشنهادهای کارآمدی است اما گاهی در یک حالت بی تفاوتی و فاقد مشارکت به‌سر می‌برد و از حق شهروندی خود استفاده نمی‌کند اهمیت موضوع زمانی آشکار می‌شود که مشخص شود چه عواملی اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی بر رفتار مشارکتی مردم تأثیرگذار

1. Apathy
2. Dean
3. Rosenberg

هستند و این عوامل چگونه زمینه‌انفعال را فراهم می‌کنند (مظلوم خراسانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲).

شکل‌بندی و ساختار هر جامعه، به ماهیت و شکل کنش اجتماعی افراد بستگی دارد. با توجه به طیف‌بندی کنش‌های انسانی از وضعیت فعال تا غیرفعال، بی‌تفاوتی اجتماعی منجر به شکل‌گیری یک جامعه منفعل می‌گردد. بی‌تفاوتی وضعیتی است که مانع از هرگونه مشارکت و تعامل‌های فعال، آگاهانه، مستمر و پایدار برای شکل‌دهی یک جامعه مردم‌سالار و زندگی اجتماعی بهتر می‌گردد. این وضعیت با طرد هرگونه کنش فعال در فرایندهای تصمیم‌گیری سطوح خرد و کلان جامعه، باعث تقلیل تأثیر فرد بر آینده و سرنوشت جامعه و در نهایت افول و عقب‌افتادگی آن می‌گردد. بی‌توجهی و بی‌تفاوتی مردم ایران نسبت به برخی کنش‌های نوع‌دوستانه، بی‌عدالتی، نابرابری، زورگویی، گرانفروشی، فساد اداری، منافع آیندگان، حقوق ضعیف و... به دلیل مغایرت با تجربه تاریخی، روح جمعی، تأکیدهای فرهنگی و باورهای مذهبی جامعه ایران، قابل توجه و شایسته بررسی است.

به‌زعم صاحب‌نظران مسائل توسعه (هوزلیتز ۱۹۸۶، اتریونی^۱ ۱۹۸۷، مانفورد ۱۹۸۸، میدگلی^۲ ۱۹۹۲ و دیگران) تحقق، دوام و استمرار توسعه پایدار در هر جامعه به مشارکت همه افراد و آحاد آن جامعه به‌خصوص قشر تحصیلکرده، دانشگاهی و روشنفکران آن بستگی دارد «لیپست»^۳ (۱۹۹۶) دانشگاه را مرکز ثقل تحولات، افکار و ارزش‌های نو دانسته و قشر روشنفکر و تحصیلکرده را مرکز عاملان تغییر و تحول و حاملان ارزش‌ها و افکار بدیع و جدید در جامعه به‌شمار آورده است. از این‌رو، «شوماخر»^۴ به‌صراحت اعلام کرده است که هر برنامه‌ریزی معطوف به توسعه - اعم از اینکه آن برنامه در سطح منطقه‌ای باشد یا ملی - بدون مشارکت فعال نیروهای تربیت‌شده، علمی و کارآمد مقدور نیست و توسعه به‌مفهوم مشارکت فراگیر اجتماعی، سیاسی، روانی،

1. Etzioni
2. Midgley
3. Lipset
4. Schumacher

فرهنگی و اقتصادی این نیروها در توسعه معنی پیدا می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

یکی از متغیرهای مهم در شکل‌گیری نظم اجتماعی، روابط گرم و مبتنی بر عواطف است که ریشه در وابستگی‌ها، ارتباط عاطفی با جمع و احساس عضویت دارد. در مقابل، پدیده‌ای مانند بی‌تفاوتی اجتماعی، بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و به‌عبارتی نوعی افسردگی اجتماعی است. دانش اجتماعی، بی‌تفاوتی و نبود احساس مسئولیت در بخشی از جامعه نسبت به ناهنجاری‌ها و قانون‌گریزی‌ها را آفت بزرگی می‌داند که باید نسبت به رفع آن تدبیر کرد. در آموزه‌های دینی امر به معروف و نهی از منکر که معادل نظارت اجتماعی است، افراد را در واکنش نشان‌دادن نسبت به کنش‌های اجتماعی موظف کرده است. با این وصف، بی‌تفاوتی در جامعه نوعی بیماری اجتماعی شناخته می‌شود همان‌گونه که در نقطه مقابل آن، هرگونه اعتنای اجتماعی و نودوستی در حیات فردی و اجتماعی، نشانه پویایی و سلامت اجتماعی است. اهمیت بی‌تفاوتی اجتماعی به‌حدی است که گاه میزان سلامت اجتماعی از طریق سنجش بی‌تفاوتی و عدم تمایل به درگیری با مسائل جامعه، سنجیده می‌شود.

به‌نظر می‌رسد، هرچه امکان در کنار هم قرار گرفتن افراد بیشتر باشد، امکان اقدام جمعی و به همان میزان تغییر رفتار وجود خواهد داشت. نتیجه بی‌تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که عرصه عمومی ما کم‌کم به عرصه‌ای از افراد پراکنده و عرصه بیگانگی تبدیل شده که تعاملی میان افراد در آن وجود ندارد. بی‌تفاوتی در جامعه به ویژه در عرصه دینی موجب می‌شود تا افراد جامعه تعصب لازم برای دفاع از حقوق دینداری خود را نادیده بگیرند و عرصه برای رواج و شیوع انبوهی از ناهنجاری‌های دینی فراهم شود.

این مهم نگارندگان این اثر را بر آن داشت تا نسبت به این موضوع بیندیشند و در این مسیر، یکی از عوامل زوال بی‌تفاوتی اجتماعی را در مناسک و شعایر دینی بیابند. بی‌تردید، مقوله مهندسی فرهنگی زیارت یکی از مصادیق بارز و آشکار مواجهه با این

نقیصه است که در مناسبات اجتماعی و تعمیق ارزش‌های دینی، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد، زیرا زیارت یادآوری پیوندهای معنوی و خویشاوندی فکری و فرهنگی یک مؤمن با اولیای خدا و پیشوایان دینی است. این نکته یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر است که درصدد ایجاد پیوند بین زیارت و کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی است. در واقع، تأکید بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۱ و احتراز از بی‌تفاوتی در محیط‌هایی مانند دانشگاه باید مورد توجه قرار گیرد تا دانشجویان عهده‌دار نقش بی‌بدیلی در ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت و ارتقای سلامت روانی جامعه شوند. بنا بر آنچه گفته شد، لازم است مسئولان فرهنگی دانشگاه درصدد کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان به انحای مختلف باشند. یکی از این موارد نقش آداب و مناسک دینی به‌ویژه زیارت در کاهش این پدیده است. با این وصف، پژوهش حاضر در نظر دارد با تبیین و جریان دادن حقایق و آثار زیارت به عرصه‌های مختلف زندگی، به مطالعه موردی و پیمایش نقش زیارت بر روی دانشجویان بپردازد. این پژوهش به‌دنبال بررسی تأثیر زیارت مشهدالرضا (علیه‌السلام) در کاهش میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی و شناسایی برخی عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی بوده است.

پیشینه نظری

پیشینه تحقیق حاضر در دو بخش پیشینه داخلی و خارجی بررسی شده است:

الف) پیشینه داخلی

در ایران پژوهش‌های زیادی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی و نقش عوامل مختلف بر روی آن انجام شده است.

1. Social Responsibility

«حبیب‌زاده» (۱۳۸۴) در مقاله برآمده از پژوهشی با عنوان «بی‌تفاوتی سیاسی کارگران و تأثیر آن در کاهش مشارکت سیاسی آنان در جمهوری اسلامی ایران» نشان داد این بی‌تفاوتی در سطحی نبوده که ناامیدی کامل آنان را در پی داشته باشد و یا خود را فاقد تأثیر در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی بباند، اما باعث بی‌تفاوتی آنان در حیات سیاسی شده است.

«کلانتری و همکاران» (۱۳۸۶) در مقاله برآمده از پژوهشی با عنوان «بررسی بی‌تفاوتی و نועدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن» هدف کار خود را در پژوهشی علی-مقایسه‌ای، بررسی ارتباط بی‌تفاوتی اجتماعی با متغیرهای همدلی، مسئولیت‌پذیری و تحلیل هزینه-پاداش مادی قرار دادند. نتایج حاصل نشان داد در مواجهه با حالت‌های اضطراری ۷۵/۳٪ شهروندان نועدوست و ۲۴/۷٪ بی‌تفاوتند. به‌علاوه، گروه نועدوست در مقایسه با گروه بی‌تفاوت دارای همدلی بیشتر، مسئولیت‌پذیری بیشتر، و تحلیل هزینه-پاداش کمتر است.

«سیروس احمدی» (۱۳۸۸) در مقاله برگرفته از تحقیقی با عنوان «بررسی نועدوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر یاسوج» سعی کرده است میزان تمایل به نועدوستی را در بین شهروندان تعیین و سپس ارتباط آن را با همدلی، مسئولیت اجتماعی، تحلیل هزینه-پاداش و متغیرهای جمعیتی (سن، جنس، وضع تاهل، میزان تحصیلات و قومیت) بررسی کند. جامعه آماری این پژوهش شهروندان ۱۵-۶۵ ساله شهر یاسوج بودند که ۳۸۶ نفر آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که همدلی تأثیری بر نועدوستی ندارد اما مسئولیت اجتماعی و تحلیل هزینه-پاداش مادی تأثیر معناداری بر نועدوستی دارند همچنین متغیرهای جمعیتی سن، جنسیت، میزان تحصیلات و وضعیت تاهل، بر نועدوستی تأثیری ندارند ولی در نועدوستی قوم‌های مختلف تفاوت وجود دارد و نועدوستی قوم لر از قوم ترک بیشتر است.

«بنی‌فاطمه و حریری اکبری» (۱۳۸۹) در مقاله برگرفته از تحقیقی با عنوان

«لگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز» ۴۱۰ نفر را از میان ۸ دانشکده با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب به عنوان نمونه انتخاب کرده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از پرسش‌نامه استفاده شده است نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که رابطه معناداری بین بیگانگی و ابعاد آن با بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارد.

«محسنی و صداقتی‌فرد» (۱۳۹۰) در مقاله برآمده از تحقیقی با عنوان «پژوهشی در باب بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران که بر روی شهروندان تهرانی انجام شده به بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان بیانگر این است که سطح متوسط رو به بالایی از بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی وجود دارد. همچنین، میانگین میزان بی‌هنجاری، احساس محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه-پاداش گویای بالاتر از حد متوسط بودن این عوامل و میانگین میزان اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رعایت اجتماعی و التزام مدنی در سطح پایین بوده است. در تحلیل‌های دومتغیره بین جنسیت و بی‌تفاوتی اجتماعی تفاوت مشاهده شده است، طوری که مردها بی‌تفاوتی اجتماعی بالاتری را نشان دادند. همچنین، بین قومیت و بی‌تفاوتی اجتماعی تفاوت مشاهده شد به این صورت که قوم کرد دارای کمترین میزان و قوم عرب دارای بیشترین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بودند.

«احمد فولادیان» (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد» انجام داده است. جامعه آماری این مطالعه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد است و ۳۶۶ نفر از آنان به‌عنوان نمونه و به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. هدف این تحقیق، بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن مانند احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس بی‌معنایی، انزوای اجتماعی، تنفر از خود و تنفر فرهنگی با بی‌تفاوتی اجتماعی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد رابطه معناداری بین بیگانگی اجتماعی و ابعاد آن با بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارد و متغیر بیگانگی ۴۰٪ تغییرات متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی را توجیه می‌کند نتایج این تحقیق نشان داد میزان

بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی از حد متوسط پایین‌تر است.

ب) پیشینه خارجی

نخستین پژوهش‌ها در حوزه بی‌تفاوتی اجتماعی در آمریکا و پس از توجه روان‌شناسان اجتماعی به رفتار منفعلانه مشاهده‌گران در موقعیت‌های اضطراری صورت گرفت (ارونسون، ۱۳۸۶) طبق نظر این روان‌شناسان، رفتار مردم در موقعیت‌های اضطراری گرایش به انفعال دارد زیرا هر کس دیگری را شریک در موقعیت و مسئول اقدام می‌داند. بنابراین چه بسا در عمل هیچ‌کس کاری نکند و ما شاهد بی‌تفاوتی افراد نسبت به موقعیت باشیم. اما بی‌تفاوتی اجتماعی از چشم‌اندازهای دیگری هم بررسی شده است.

پیشینه پژوهش در باب بی‌تفاوتی اجتماعی، اغلب از منظر سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه پژوهش‌ها در آفریقا نشانگر رابطه مستقیم همبستگی میان بی‌تفاوتی در رابطه با قومیت بوده است. چنان‌که «روس»^۱ (۱۹۷۵) در مقاله برآمده از پژوهشی در پایتخت کشور کنیا، علت اصلی بی‌تفاوتی به مسائل اجتماعی و سیاسی را مختصات خرده‌گروه‌های قومی استنتاج کرده است.

«ون اسنپنبرگ و استچیپرز»^۲ (۱۹۹۱) در مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «طبقه اجتماعی و رفتار سیاسی در خلال یک دوره رکود اقتصادی: بی‌تفاوتی و رادیکالیسم در هلند ۱۹۸۵» محققان هلندی، این تحلیل را در باب جامعه یادشده ارائه کردند که افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی، ما به ازای اعتراض سیاسی عظیم طبقاتی است که به شدت از رکود اقتصادی اخیر ضربه خورده‌اند و سیاست‌های مستحکم‌سازی در این باب پدیده‌ای است که در پژوهش‌های اجتماعی جامعه هلند مورد غفلت قرار گرفته است.

1. Ross

2. Van Snippenburg Scheepers

«گنس»^۱ (۱۹۹۲) در مقاله برآمده از پژوهشی در ایالات متحده آمریکا، به بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و بی‌تفاوتی پرداخته و با توجه به کاهش علاقه افراد به پیگیری مسائل سیاسی جامعه خود، بی‌تفاوتی را مسئله مهم این کشور معرفی کرده است و آن را در ارتباط با متغیرهای مهمی مانند احساس فتور و ناتوانی، بیگانگی اجتماعی، نارضایتی از نظام اجتماعی، کاهش تعلق اجتماعی و انگیزه‌های فردی و مواردی از این قبیل بررسی و معتقد است بی‌تفاوتی زمانی در جامعه بیشتر می‌شود که این متغیرها، فراوانی کمی و کیفی بیشتری داشته باشند.

«چن و زانگ» در مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «سنجش بی‌تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن» عوامل مؤثر و اثر متغیرهای گوناگون زمینه‌ای و مستقل مانند رضایت اجتماعی، احساس اثربخشی، موقعیت اجتماعی - شغلی و وابستگی حزبی - سیاسی بر روی بی‌تفاوتی سیاسی را بررسی کردند. نتایج حاصل حاکی از وجود رابطه معنادار میان این متغیرها بوده است (چن و زانگ^۲، ۱۹۹۹).

«المیزجاجی» در مقاله برآمده از پژوهش دیگری در قاره آسیا و در کشور عربستان سعودی (المیزجاجی^۳، ۲۰۰۱) به بررسی رابطه میان بوروکراسی و مسئولیت اجتماعی شهروندان در جامعه مذکور پرداخته است. وی مسئله بی‌تفاوتی عمومی را به عنوان مانعی در جهت برنامه‌های توسعه تحلیل و تبیین کرده است. این پژوهش نشان داد بوروکراسی به‌عنوان یک مانع سبب افزایش بی‌تفاوتی شهروندان و عدم مسئولیت‌پذیری آنان می‌شود.

«سرفراز و احمد»^۴ (۲۰۱۲) در مقاله برآمده از تحقیقی با عنوان «دلایل گرایش سیاسی و بی‌تفاوتی در میان دانشجویان در پاکستان» که یک مطالعه کیفی بود به بررسی دلایل مختلف برای علاقه سیاسی و بی‌تفاوتی میان دانشجویان دانشگاه‌ها به‌منظور درک اینکه چرا بعضی از جوانان نسبت به نظام سیاسی علاقه‌مند و

1. Gans
2. Chen.j & Zhong
3. Al.Mizjazi
4. Sarfaraz& Ahmad

بعضی دیگر بی تفاوتند متمرکز شده‌اند. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد اگرچه همه شرکت‌کنندگان به اتفاق آراء موافقت کردند که در نظام سیاسی نقص وجود دارد، شرکت‌کنندگان علاقه‌مند به سیاست، دیدگاهی خوشبینانه داشتند و آن اینکه از طریق دخالت در سیاست تغییر به وجود بیاورند و در افرادی که بی تفاوت بودند بیشتر یک نقطه نظر بدبینانه نسبت به سیاست داشتند و در نتیجه احساس درماندگی آموخته شده ایجاد شده بود و اعتقاد داشتند که بدون توجه به آنچه انجام می‌دهند، تمام تلاش خود را بی‌ثمر می‌دیدند.

«مانینگ»^۱ (۲۰۱۴) در مقاله برآمده از پژوهشی کیفی در استرالیا در بین جوانان ۱۸-۳۰ سال با عقاید سیاسی متفاوت و از انواع طیف سیاسی با عنوان «خود درگیری و مشارکت سیاسی در بزرگسالان» به بررسی نگرانی‌های اخیر درباره بی تفاوتی جوانان و عدم مشارکت در سیاست می‌پردازد. وی در این مقاله عوامل زمینه‌ساز بی تفاوتی سیاسی شامل انگیزش خشک لیبرالی به یک حزب سیاسی، نقش مهم دوستان و خانواده در پرورش و حفظ تعهدات سیاسی و همچنین احساس ذهنی از خودبیگانگی، بی توجهی، بدبینی و اثربخشی سیاسی کم به عنوان معیارهای اجتماعی و روانی بر رفتار استدلال شده است.

چارچوب نظری

در تبیین بی تفاوتی اجتماعی، که جامعه‌شناسان کلاسیک اغلب آن را بیگانگی اجتماعی تعبیر کرده‌اند، «زیمل» به ویژگی زندگی نوین شهری (ممتاز، ۱۳۹۴: ۱۲۲؛ کرایب، ۱۳۹۵: ۱۳۴)، دورکیم به پدیده انومی و ضعف هنجاری در جامعه مدرن (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۳۴؛ توسلی، ۱۳۹۶: ۳۴)، «تونیس و وبر» به گسترش کنش‌های مبتنی بر عقلانیت مدرن (ویر، ۱۳۶۷: ۱۱۴)، «مارکس» به انزوای کارگران به دلیل خصلت تولید سرمایه‌داری، و «زنایکی و تامس» در نظریه نظام گسیختگی اجتماعی به مسئله

1. Manning

ضعف هنجارها (توسلی، ۱۳۹۶: ۳۴) اشاره کرده‌اند. بنابراین، در نظریات کلاسیک به‌ویژه در نظریهٔ دورکیم، تأثیر احساس آنومی در افزایش بی تفاوتی اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته که در این تحقیق نیز به‌عنوان یک مینا مورد استفاده قرار گرفته است.

نظریه‌پردازان معاصر در قالب نظریه‌هایی نسبتاً تجربی‌تر، عوامل مؤثر در بروز بی‌اعتنایی را در جامعه شناسایی کرده‌اند. «استرلین» تبیینی اقتصادی و جمعیت‌شناختی از بی‌اعتنایی ارائه کرده و بر این باور است که تمایلات و روندها در ارتباط با بی‌اعتنایی سیاسی تا اندازه‌ای تابعی از تغییرپذیری نسلی در زمینهٔ بهزیستی و رفاه اقتصادی است (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۷۳۴).

«هارولد کاپلان»^۱ و «بنیامین سادوک»^۲ بی تفاوتی اجتماعی را حالتی از نبود احساس درونی و عاطفه، عدم علاقه و درگیری هیجانی نسبت به محیط خود تعریف کرده‌اند که به گفتهٔ آنان در انواع خاصی از اسکیزوفرنی و افسردگی مشاهده می‌شود (کاپلان و دیگران، ۱۳۷۵ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۷۲۱) «میشل»^۳ (۱۹۸۸) و «کنیستن» (۱۹۸۵) آن را نوعی احساس انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد و جامعه (نهاده‌ها و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده، مذهب و...) می‌خوانند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۳۶). همچنین بی تفاوتی را نوعی تصور، طرز تلقی یا احساس تعریف کرده‌اند که از انتظار عدم تأثیرگذاری و تعیین‌کنندگی رفتار فرد در ایجاد نتایج یا دستکاری در واقعیت‌ها ناشی می‌شود (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲).

«سالمیتز»^۴ علایم بی تفاوتی را عبارت از نداشتن آگاهی، انگیزه، التزام و تعهد مدنی، مسئولیت‌های اجتماعی و عمل اجتماعی که شامل حق انتخاب هم می‌شود، دانسته‌اند. این امر، به‌خصوص برای گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۴ سال مشهود است (سالمیتز؛ ۲۰۰۰: ۵۷). از این نظر، می‌توان دربارهٔ تأهل افراد نیز استفاده نمود و نشان داد که افراد متأهل رغبت بیشتری برای مشارکت و در نتیجه کاهش بی تفاوتی

1. H.Kaplan
2. B.J.Sadock
3. Michel
4. Solmitz

اجتماعی از خود نشان خواهند داد.

«لیندا مولم» معتقد است کنشگران در روابط تبادلی خود منابعی را با یکدیگر مبادله می‌کنند که نتایج و پیامدهای ارزشمند این رابطه می‌تواند به شکل پولی و مالی یا به شکل ناملموس خوشحال‌کننده باشد و اعتماد به نفس تقویت‌شده در طرف مقابل ظاهر شود. در صورتی که نتایج مورد انتظار در روابط تبادلی به شکل مثبتی ظاهر شود باعث رضایت و تداوم رابطه تبادلی می‌شود. در غیر این صورت، باعث انقطاع رابطه مبادله‌ی و نارضایتی افراد از آن می‌گردد (به نقل از ریتزر، ۱۳۷۸: ۳۰۴-۳۰۳).

«سیمن»^۱ بی‌تفاوتی اجتماعی را معادل بیگانگی و انزوای اجتماعی می‌داند و در تعریف انزوای اجتماعی می‌گوید: انزوای اجتماعی احساسی تلقی می‌شود که فرد با زمینه‌های اجتماعی خویش سازگاری ندارد و از ارزش‌ها و اهداف مطرح در جامعه منفک است (سیمن، ۱۹۵۹: ۱۶۱). در نتیجه وقوع چنین امری، فرد احساس خواهد کرد اثربخشی لازم را در جامعه ندارد و از مشارکت اجتناب خواهد نمود.

به نظر می‌رسد زنان عموماً نسبت به مردان تمایل بیشتری برای مشارکت در امور اجتماعی از خود نشان می‌دهند. این امر را تحقیقات مختلفی به اثبات رسانده‌اند. با توجه به این امر، در پژوهش حاضر جنسیت را به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در مشارکت و کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی در نظر گرفته‌ایم.

«ویلنسکی» در نظریه‌ای دیگر بر این اعتقاد است که بی‌تفاوتی ممکن است تابعی از فرایند سالخوردگی باشد (نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۱). «پیلیاوین»^۲ (۱۹۹۱) «لاتانه و دارلی»^۳ (۱۹۷۰) در نظریه پنج‌مرحله‌ای در تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی بر مبنای محاسبه هزینه - پاداش حرکت کرده‌اند. به باور آنها، افراد در مواجهه با وضعیت‌های خاص و اضطراری، بلافاصله به تحلیل و بررسی هزینه‌ها و پاداش‌های نوع دوستی و

1. Seeman
2. Piliavin
3. Latane, B. Darely

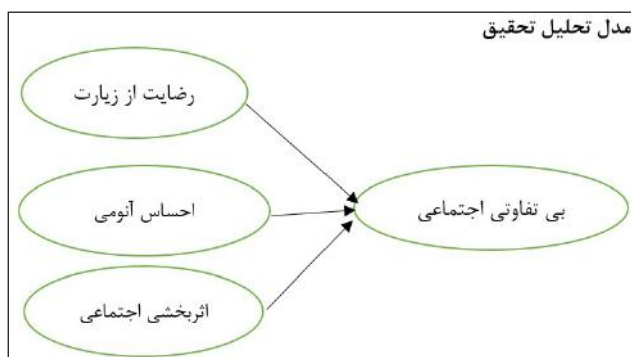
بی‌تفاوتی می‌پردازند و در واقع، بی‌تفاوتی به دیگران یا نوع‌دوستی مستقیماً تابع پاسخی است که افراد ناظر در یک موقعیت اضطراری نشان می‌دهند. بنابراین این نظریه با توجه به این امر که زیارت به عنوان یک عمل دسته‌جمعی در دین مبین اسلام نقش به‌سزایی در افزایش مشارکت‌های اجتماعی و در نتیجه اثربخشی اجتماعی دارد. زیارت می‌تواند به دو شکل در کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر باشد. از یک سو زیارت با افزایش مشارکت افراد احساس اثربخشی آنان را افزایش دهد که این امر به کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، نقشی که زیارت در تقیید و هنجارپذیری افراد ایجاد می‌کند از احساس آنومی جلوگیری می‌کند که این امر به کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی می‌انجامد.

احساس بی‌قدرتی، عدم اثربخشی یا عدم کارآیی، که جملگی معانی مترادفی را دارند، مبنای نظریه‌های مبتنی بر «جامعه‌پذیری عدم اثربخشی» را تشکیل می‌دهند چنان‌که «ساث ول»^۱ (۲۰۰۳) جریان اجتماعی شدن و تجارب تدریجی در جامعه را از جمله عوامل سرخوردگی و دلمردگی اجتماعی افراد معرفی کرده و معتقد است که هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از احساس عدم اثربخشی در فرایندهای اجتماعی - سیاسی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی‌تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسائل اجتماعی وجود دارد. محتوای رفتارگرایانه برخی قضایای نظریه «دال»^۲ (۱۹۸۳) و نظریه «سیمن» (۱۹۵۹) درباره بی‌قدرتی نیز این باور را نشان می‌دهد. احساس بی‌قدرتی یا عدم اثرگذاری جامعه‌پذیر شده، به دنبال خود احساس بی‌اعتمادی به همراه می‌آورد (روس و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۲۱). در نتیجه چنین امری، احساس اثربخشی اجتماعی در کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی مؤثر خواهد بود و به نحو بارزی به کاهش بی‌تفاوتی در افراد جامعه منجر خواهد شد.

بنابراین، با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده می‌توان متغیرهای مختلفی را که می‌توانند سبب کاهش یا افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی در افراد شوند، شناسایی

1. Southwell
2. Dahl

کرد که در تحقیق حاضر تأثیر زیارت، اثربخشی اجتماعی و احساس انومی مطالعه شده‌اند. البته، علاوه بر موارد فوق می‌توان گفت که بی‌تفاوتی اجتماعی با توجه به متغیرهای زمینه‌ای چون جنسیت و تأهل، می‌تواند در افراد مختلف متفاوت باشد. بر این اساس، مدل مفهومی تحقیق حاضر به صورت زیر طراحی شده است.



فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مدل فوق و تئوری‌های تحقیق، فرضیه‌های زیر برای انجام تحقیق حاضر طراحی شده‌اند:

۱. میزان بی‌تفاوتی دانشجویان بر حسب جنسیت متفاوت است.
۲. میزان بی‌تفاوتی دانشجویان بر حسب وضعیت تاهل متفاوت است.
۳. بین احساس انومی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
۴. بین اثربخشی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه وجود دارد.
۵. میزان بی‌تفاوتی دانشجویان در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت متفاوت است.

جامعه آماری

جامعه آماری در این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی

هستند که در سال ۹۵-۹۴ به مشهد مشرف شده‌اند که از این تعداد ۲۰۰ نفر به‌صورت تصادفی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرها

تعریف‌های بی‌تفاوتی اجتماعی: بی‌تفاوتی اجتماعی از منظر تعریف مفهومی، فرایندی است که طی آن، افراد با بی‌علاقگی و بی‌اعتنایی به واقعیت‌های اجتماعی پیرامون خود می‌نگرند و از انجام مشارکت اجتماعی - سیاسی، مسئولیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های دگرخواهانه و درگیری فعال و مدنی در مسائل اجتماعی پرهیز می‌کنند. بی‌تفاوتی اجتماعی از بُعد تعریف عملیاتی بر مبنای دو شاخص در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است. نخست، بی‌تفاوتی در حوزه فعالیت‌های اجتماعی رسمی - مثل مشارکت داوطلبانه در سازمان‌ها، احزاب و انجمن‌ها و امثال آن - و دوم، بی‌تفاوتی در حوزه فعالیت‌های اجتماعی غیررسمی - مثل کنش‌های مشارکتی دگرخواهانه و اعمال نوع‌دوستانه دانشجویان از قبیل کمک به مستمندان، حمایت از دیگران، توجه به مشکلات اطرافیان - بررسی شده است.

تعریف‌های اثربخشی اجتماعی: اثربخشی اجتماعی از منظر تعریف مفهومی، فرایندی است که طی آن، فرد در جامعه احساس مفیدبودن کرده و از تعامل با هم‌نوعان لذت می‌برد و احساس می‌کند فرد مطلوبی در جامعه است. اثربخشی اجتماعی از بُعد تعریف عملیاتی بر مبنای دو شاخص در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است؛ نخست، احساس تأثیرگذاری در زندگی فردی خود و فعالیت‌های روزمره که منجر به مفیدبودن فرد از نظر وجودی سنجیده شده است و دوم اثربخشی در حوزه فعالیت‌های اجتماعی و در زندگی دیگران است که به تحسین اجتماعی منجر شده و خواهش دیگران برای مشارکت در کنش‌های مشارکتی دگرخواهانه را در پی دارد که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

تعریف‌های رضایت از زیارت: رضایت از زیارت از منظر مفهومی فرایندی است که فرد پس از زیارت احساس رضایتمندی و از اینکه این کار را انجام داده است، احساس شغف و شور می‌کند. رضایت از زیارت از بُعد تعریف عملیاتی در سه بُعد فردی، معنوی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است و میزان شادکامی فردی، معنوی و اجتماعی افراد هر کدام با دو گویه، سنجش و اندازه‌گیری شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه با سنجه‌هایی از طیف لیکرت برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. برای اندازه‌گیری اعتبار^۱ از روایی محتوایی^۲ و روایی صوری^۳ و برای تعیین پایایی^۴ از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر این اساس، برای سنجش متغیرهای بی‌تفاوتی اجتماعی و اثربخشی اجتماعی از پرسش‌نامه محقق‌ساخته با ضریب پایایی به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۷۷ استفاده شده است. همین‌طور، برای سنجش احساس آنومی از پرسش‌نامه استاندارد با آلفای ۰/۸۴ استفاده شده است.

بی‌تفاوتی اجتماعی، بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی است. در نقطهٔ مقابل، هرگونه اعتنای اجتماعی و نودوستی در حیات فردی و اجتماعی، نشانهٔ پویایی و سلامت اجتماعی است. برخی بی‌تفاوتی اجتماعی را مترادف با عزلت‌گزینی، بی‌علاقگی و مشارکت‌نداشتن افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا کرده و در تحلیل خود، آن را مقابل علاقهٔ اجتماعی، درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی قرار داده‌اند (دث و الف، ۲۰۰۰).

1. Validity
2. Content Validity
3. Face Validity
4. Reliability

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی و آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر ارائه شده است:

الف) یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های تحقیق، ۱۱۸ نفر از پاسخگویان (۵۹٪) زن و ۸۲ نفر (۴۱٪) مرد بودند.

۱۵۷ نفر از دانشجویان (۷۸٫۵٪) مجرد و ۴۳ نفر (۲۱٫۵٪) متأهل بودند.

میانگین سن دانشجویان مورد بررسی ۲۲/۷۶ سال بوده است. بیشترین فراوانی درآمد پاسخگویان یک میلیون تومان در ماه، بالاترین درآمد ده میلیون تومان و کمترین میزان درآمد ۵۰۰ هزار تومان در ماه بوده است. همین‌طور، میانگین درآمد پاسخگویان مساوی ۱۹۵۴۰۸۱ (یک میلیون و نهصد و پنجاه و چهار هزار و هشتادویک تومان) اعلام شده است.

جدول ۱. احساس آنومی دانشجویان در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت

بازه زمانی	احساس آنومی	درصد
بعد از زیارت	کم	۳۳٫۷
	متوسط	۶۰٫۱
	زیاد	۶٫۲
	میانگین احساس آنومی	۲٫۷۲
قبل از زیارت	کم	۲۶٫۸
	متوسط	۵۳٫۲
	زیاد	۱۹٫۷
	میانگین احساس آنومی	۳٫۱

چنان‌که مندرجات جدول فوق نشان می‌دهد، نتایج تحقیق نشان داد قبل از زیارت، ۲۶/۸٪ پاسخگویان احساس آنومی کم، ۵۳/۲٪ از سطح متوسط احساس آنومی و

۱۹/۷٪ آنان سطح زیادی از احساس آنومی داشتند، در حالی که پس از زیارت ۳۳/۷٪ پاسخگویان از احساس آنومی پایین، ۶۰/۱٪ سطح متوسط احساس آنومی و ۶/۲٪ هم احساس آنومی بالایی داشتند. این نتایج بیانگر کاهش احساس آنومی دانشجویان پس از زیارت است. به عبارتی، میانگین احساس آنومی از ۲,۷۲ به ۳,۱ افزایش یافته و زیارت به کاهش احساس آنومی در بین آنان منجر شده است.

جدول ۲. احساس اثربخشی اجتماعی دانشجویان در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت

بازه زمانی	احساس اثربخشی اجتماعی	درصد
بعد از زیارت	کم	۲,۶
	متوسط	۴۸,۵
	زیاد	۴۸,۹
	میانگین احساس اثر بخشی	۳,۴۶
قبل از زیارت	کم	۱۹,۱
	متوسط	۴۰
	زیاد	۴۰,۹
	میانگین احساس اثر بخشی	۳,۲۲

چنان که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد، قبل از زیارت؛ ۱۹/۱٪ پاسخگویان احساس اثربخشی کم، ۴۰٪ احساس اثربخشی در سطح متوسط و ۴۰/۹٪ احساس اثربخشی را در سطح زیاد داشتند؛ اما پس از زیارت؛ ۲/۶٪ پاسخگویان احساس اثربخشی کم، ۴۸/۵٪ احساس اثربخشی در سطح متوسط و ۴۸/۹٪ هم احساس اثربخشی را در سطح زیادی داشتند. به عبارت دیگر، نتایج جدول فوق حاکی از این امر است که زیارت به افزایش احساس اثربخشی در بین دانشجویان منجر شده است. به عبارت دیگر، این نتایج نشانگر افزایش احساس اثربخشی اجتماعی دانشجویان پس از زیارت بوده است و میزان احساس اثربخشی اجتماعی از ۳,۲۲ به ۳,۴۶ افزایش یافته است.

جدول ۳. احساس بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت

بازه زمانی	احساس بی‌تفاوتی اجتماعی	درصد
بعد از زیارت	کم	۷۵,۵
	متوسط	۲۴
	زیاد	۰,۵
	میانگین احساس بی‌تفاوتی اجتماعی	۲,۲۵
قبل از زیارت	کم	۲۹,۷
	متوسط	۵۶,۸
	زیاد	۱۳,۵
	میانگین احساس بی‌تفاوتی اجتماعی	۲,۸۴

چنان‌که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، قبل از زیارت، ۴۹/۷٪ پاسخگویان بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح کم، ۴۱/۸٪ بی‌تفاوتی اجتماعی شان در سطح متوسط و ۸/۵٪ بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح زیاد داشته‌اند اما پس از زیارت به ۷۵/۵٪ بی‌تفاوتی اجتماعی پایین، ۲۴٪ بی‌تفاوتی اجتماعی متوسط و فقط ۰/۵٪ بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح زیاد تبدیل شده است. به عبارت دیگر، میزان بی‌تفاوتی دانشجویان در بازه زمانی پس از زیارت در حد قابل ملاحظه‌ای کم شده و از ۲,۸۴ به ۲,۲۵٪ کاهش یافته است.

ب) یافته‌های استنباطی

در این بخش، به یافته‌های استنباطی پرداخته شده است. بدین‌منظور، در ابتدای این بخش فرضیه‌ها آزمون شده و سپس تحلیل رگرسیونی انجام شده است.

آزمون فرضیه اول: مقایسه میزان میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت

برای بررسی این موضوع، با توجه به متغیرها از آزمون t استفاده شده که نتایج در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴.۴. آزمون t مقایسه میانگین بی تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت

sig	df	انحراف معیار	میانگین	گروه ها	بازه زمانی
۰/۰۲۴	۱۹۹	۶/۴۷	۶۷/۹۶	زن	بعد از زیارت
		۱۱/۹۴	۶۹/۶۷	مرد	
۰/۰۱۷	۱۹۹	۸/۱۴	۷۲/۳۶	زن	قبل از زیارت
		۱۳/۹۹	۷۵/۶۷	مرد	

یافته‌های به دست آمده از جدول ۴ نشان می‌دهد سطح معناداری بی تفاوتی اجتماعی بعد از زیارت ۰/۰۲۴ است که کمتر از ۰/۰۵ است. لذا بعد از زیارت بی تفاوتی اجتماعی تفاوت معناداری بر حسب جنسیت وجود دارد. البته، قبل از زیارت نیز میانگین بی تفاوتی مردان (۷۵/۶۷) از میانگین بی تفاوتی زنان (۷۲/۳۶) بیشتر بوده است، اما این میانگین هرچند در هر دو گروه کاهش قابل ملاحظه‌ای یافته است، اما بی تفاوتی مردان همچنان اندکی بیش از بی تفاوتی زنان شده است. بنابراین، فرضیه اول تحقیق که نشانه تفاوت بی تفاوتی بر حسب جنسیت بود، در هر دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت تأیید می‌شود، اما بعد از زیارت میزان بی تفاوتی در هر دو کاهش پیدا می‌کند.

فرضیه دوم: مقایسه میزان میانگین بی تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل

برای بررسی این فرضیه با توجه به متغیرها، از آزمون t استفاده گردید که نتایج در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵.۵. آزمون t مقایسه میانگین بی تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل

sig	df	انحراف معیار	میانگین	گروه ها	دانشگاه
۰/۶۱	۱۹۹	۱۳	۷۲/۹۳	مجرد	قبل از زیارت
		۱۴/۶۹	۷۴/۳۱	متاهل	
۰/۱۸۱	۱۹۹	۱۳/۶۲	۷۲/۷۲	مجرد	بعد از زیارت
		۱۵/۲۵	۷۳/۸۹	متاهل	

یافته‌های به‌دست‌آمده از جدول ۵ نشان می‌دهد سطح معناداری بر اساس تأهل افراد بی‌تفاوتی اجتماعی در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت، تغییر خاصی نیافته و میزان کاهش بسیار اندک بوده است؛ یعنی تفاوت معناداری بر حسب وضعیت تأهل وجود نداشته است.

فرضیه سوم: بین میزان احساس انومی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

به‌منظور بررسی این فرضیه، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه احساس انومی و بی‌تفاوتی اجتماعی

سطح معناداری	ضریب همبستگی	متغیرها	بازه زمانی
۰/۰۰۰	۰/۵۹	بی‌تفاوتی اجتماعی	بعد از زیارت
		احساس انومی	
۰/۰۰۰	۰/۴۴	بی‌تفاوتی اجتماعی	قبل از زیارت
		احساس انومی	
۰/۰۰۰	۰/۵۲	بی‌تفاوتی اجتماعی	کل

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد بین بی‌تفاوتی اجتماعی و احساس انومی در هر دو بازه زمانی رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به همبستگی مثبت، این رابطه مستقیم است؛ یعنی با افزایش انومی، بی‌تفاوتی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

فرضیه چهارم: بین میزان اثربخشی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج در جدول ۷ آورده شده است.

جدول ۷. آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه اثربخشی اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی

بازه زمانی	متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بعد از زیارت	بی تفاوتی اجتماعی	-۰/۴۳	۰/۰۰۰
	اثربخشی اجتماعی		
قبل از زیارت	بی تفاوتی اجتماعی	-۰/۵۷	۰/۰۰۰
	اثربخشی اجتماعی		
کل	بی تفاوتی اجتماعی	-۰/۵۰	۰/۰۰۰
	اثربخشی اجتماعی		

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد بین بی تفاوتی اجتماعی و اثربخشی اجتماعی در هر دو بازه زمانی رابطه معناداری وجود دارد و با توجه به همبستگی منفی، این رابطه معکوس است؛ یعنی با افزایش اثربخشی اجتماعی، بی تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد و کاهش اثربخشی اجتماعی، افزایش بی تفاوتی اجتماعی را در پی دارد.

فرضیه پنجم: مقایسه میزان میانگین بی تفاوتی اجتماعی قبل و بعد از زیارت.

برای بررسی این موضوع با توجه به متغیرها از آزمون t استفاده شد. نتایج در جدول ۸ آورده شده است.

جدول ۸. آزمون t مقایسه میانگین بی تفاوتی اجتماعی قبل و بعد از زیارت

متغیر مستقل	گروهها	میانگین از ۱۰۰	میانگین از ۵	انحراف معیار	df	sig
بی تفاوتی اجتماعی	بعد از زیارت	۵۹/۴۶	۲/۳۷	۹/۶۸	۳۹۹	۰/۰۱
	قبل از زیارت	۷۳/۱۳	۳/۶۵	۳/۷۱		

به منظور بررسی مقایسه میزان میانگین بی تفاوتی اجتماعی در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت، با در نظر گرفتن متغیرها از آزمون t استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده در جدول ۸ نشان می‌دهد سطح معناداری برابر با ۰/۰۱ است که از ۰/۰۵ کمتر است. لذا، میانگین بی تفاوتی اجتماعی در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت تفاوت معناداری داشته است. به عبارت دیگر، میزان بی تفاوتی اجتماعی در

دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت متفاوت است و بی‌تفاوتی اجتماعی پس از زیارت به‌نحو معناداری کاهش پیدا کرده است؛ به‌نحوی که از حدود ۳/۶۵ به ۲/۳۷ کاهش یافته است؛ یعنی پس از زیارت، بی‌تفاوتی حدود ۱۴٪ کاهش پیدا کرده و از میانگین ۷۳/۱۳ به ۵۹/۴۶ رسیده است.

تحلیل چندمتغیره

برای تبیین بی‌تفاوتی اجتماعی با توجه به متغیرهای مستقل، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. در این روش برای بررسی متغیرها از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است. بر اساس جدول ۹، از مجموع ۵ متغیر (رضایت از زیارت، سن، درآمد، آنومی، اثربخشی اجتماعی) واردشده به مدل رگرسیون، متغیرهای زیارت، اثربخشی اجتماعی و آنومی در مدل معنادار شده و توانسته‌اند ۴۸٪ از متغیر وابسته را محاسبه کنند. بر اساس جدول ۱۰، میزان بتای زیارت (-۰.۳۶۷) آنومی و اثربخشی به‌ترتیب (۰/۲۴۵، -۰/۲۲۵) و سطح معناداری آنها نیز (۰/۰۰۰) شده است که این نتایج در ادامه در قالب جدول‌های ۹ و ۱۰ آورده شده است.

جدول ۹. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر بی‌تفاوتی اجتماعی

نام متغیر	R	R Square	R ²	F	Sig
متغیرهای مستقل	۰/۵۵۸	۰/۴۹۱	۰/۴۸۰	۲۳/۶۷	۰/۰۰۰

جدول ۱۰. ضریب‌های آزمون تحلیل رگرسیون

Sig	t	ضریب‌های استاندارد			متغیر
		Beta	Std.Error	B	
۰/۰۰۰	۲۰/۵۹		۴/۳۱	۲/۶۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۳،۲۱	.۴۳	.۱۱۲	-۰.۳۶۷	رضایت از زیارت
۰/۰۰۰	۵/۴۸	۰/۸۶	۰/۱۵۷	۰/۲۴۸	احساس آنومی
۰/۰۰۰	-۹/۴۱	-۱/۶۱	۰/۱۷۲	-۰/۲۲۵	احساس اثربخشی اجتماعی

با توجه به نتایج جدول‌های ۹ و ۱۰ می‌توان معادله رگرسیونی احساس بی‌تفاوتی اجتماعی را در قالب معادله زیر نوشت:

$$\text{زیارت} + ۲,۶۳ = \text{بی تفاوتی اجتماعی} + (۰,۲۴۸) \times \text{احساس آنومی} + (-۰,۳۶۷) \times \text{رضایت از}$$

نتیجه‌گیری

از جمله بنیادی‌ترین مفاهیم توسعه اجتماعی، ایجاد فرهنگ گریز از انفعال و بی‌تفاوتی و حرکت به سوی گسترش حضور، مشارکت و سهیم‌شدن مردم در سرنوشت خود به‌مثابه ارزش و باوری نهادی است. در وضعیت بی‌تفاوتی در جامعه، توده مردم در فراگردهای اجتماعی، خود را در موضعی انفعالی قرار می‌دهند و علاقه چندانی به تأثیرنهادن بر وقایع و تصمیم‌گیری‌ها نشان نمی‌دهند؛ لذا در قالب واحدهای منفعل اجتماعی، از اعتماد به نفس و داشتن جهت‌گیری کلی جمعی ناتوان می‌مانند. از این‌رو، بی‌تفاوتی، رفتاری است که به‌عنوان یک آسیب مهم اجتماعی در جوامع مدرن مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در شرایط فعلی جامعه ایران نیز که الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی مدنظر مسئولان نظام قرار گرفته، ضروری است توجه به عوامل مؤثر بر کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه به‌طور اعم و دانشجویان به‌طور اخص مورد توجه ویژه قرار گیرد. در این راستا، به‌جای آوردن عمل زیارت که از مستحبات مؤکد در دین مبین اسلام است، با توجه به نقشی که این عمل در کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی دارد، شایسته توجه است.

نتایج تحقیق بیان می‌کند که میزان میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی پس از به‌جای آوردن زیارت مشهدالرضا (علیه‌السلام) کاهش معناداری پیدا کرده است؛ یعنی بی‌تفاوتی اجتماعی پس از زیارت از حدود ۳/۶۵ به ۲/۳۷ کاهش یافته است که این بیانگر ضرورت توجه بیشتر مسئولان دانشگاهی

به نهادینه کردن زیارت به‌طور اعم و زیارت مشهدالرضا (علیه‌السلام) به‌طور اخص است به‌نحوی که نتایج تحقیق نشان می‌دهند میزان بی‌تفاوتی دانشجویان بعد از زیارت حدود ۱۴٪ کاهش یافته است که حاکی از تأثیرگذاری بسیار بالای زیارت بر دانشجویان در جامعه مورد مطالعه بوده است. به‌عبارت دیگر، بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان از حدود ۳/۶۵ به ۲/۳۷ کاهش یافته است؛ یعنی پس از زیارت بی‌تفاوتی حدود ۱۴٪ کاهش یافته و از میانگین ۷۳/۱۳ به ۵۹/۴۶ رسیده است.

با توجه به یافته‌های تحقیق، بین میزان بی‌تفاوتی زنان و مردان در بازه زمانی قبل از زیارت تفاوتی وجود نداشته است. این نتیجه با یافته‌ها و نتایج پژوهش «احمدی» (۱۳۸۸) همسوست اما بی‌تفاوتی زنان و مردان در بازه زمانی بعد از زیارت، به نفع دختران کاهش یافته است.

نتایج بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل آنان نشان می‌دهد به‌لحاظ آماری تفاوت معناداری بین مجردها و متأهل‌ها در دو بازه زمانی قبل و بعد از زیارت در بی‌تفاوتی اجتماعی وجود ندارد که این امر با نتایج تحقیقاتی که «احمدی» (۱۳۸۸) و «محسنی تبریزی» (۱۳۹۰) انجام داده‌اند، همسوست.

همچنین، در این پژوهش رابطه بین احساس انومی و بی‌تفاوتی اجتماعی را بررسی کرده‌ایم. یافته‌های تحقیق بیان می‌کند که در هر دو بازه زمانی رابطه معناداری به لحاظ آماری بین احساس انومی و بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارد و این رابطه مستقیم است؛ بدین معنا که با افزایش یا کاهش احساس انومی، بی‌تفاوتی اجتماعی هم افزایش یا کاهش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های «محسنی تبریزی» (۱۳۹۰)، «فولادیان» (۱۳۹۴) و «ون اسنپنبرگ و استچیپرز» (۱۹۹۵) همسوست. همچنین، با رویکردهای نظری دورکیم، سیمن، لوین، پارسونز، مرتن، تامس، مک دیل و ریدلی، هولندر، زنانیکی، نظریه درونی‌سازی هنجارها و نظریه تغییر ارزشی، منطبق است. وضعیت انومیک یا بی‌هنجاری، زمینه‌ساز و شکل‌دهنده مسائل مختلف اجتماعی است. بی‌هنجاری موجب ابهام و تردید در کنش‌های اجتماعی افراد در

جامعه و در نهایت بی‌احساسی و بی‌تفاوتی افراد در عرصه‌های اجتماعی خواهد شد. چنین وضعیتی زمینه را برای بی‌انگیزگی، قانون‌گریزی، سردرگمی و ابهام در رفتار و در نهایت انفعال در اجتماع فراهم می‌آورد. گسترش و توسعه بی‌هنجاری در اجتماع سبب می‌شود تا افراد از وظایف و مسئولیت‌های مدنی یا شهروندی خود اجتناب ورزند. شکل‌بندی فرایند اجتماعی شدن در وضعیت آنومیک سبب عدم درونی‌سازی وظایف شهروندی می‌شود. شکل‌گیری شخصیت غیرمدنی مانع هرگونه فعالیت اجتماعی دیربازده خواهد شد. تجارب ناموفق ناشی از عدم پشتیبانی و الگودهی هنجارها در جامعه، مانع فعالیت آگاهانه و فعالانه افراد در مقابله با نابرابری، گران‌فروشی، مفاسد اقتصادی و اجتماعی، پیگیری وضعیت و آینده سیاسی - اجتماعی و ... می‌شود. افراد در وضعیت آنومیک به دلیل نداشتن انگیزه و امید به نتایج کنش‌های خود، علاقه چندانی برای درگیری و صرف هزینه‌های فکری و زمانی در موقعیت‌های اجتماعی ندارند.

رابطه بین اثربخشی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی را نیز در میان دانشجویان در بازه زمانی قبل و بعد از زیارت، در این تحقیق بررسی کرده‌ایم. اطلاعات تحقیق بیان می‌دارد که در هر دو بازه زمانی رابطه معناداری به لحاظ آماری بین اثربخشی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی وجود دارد و این اطلاعات بیان می‌کند که این رابطه معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش اثربخشی اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد و کاهش اثربخشی اجتماعی به افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی منجر می‌شود. این یافته‌ها با یافته‌ها و نتایج تحقیقات «محسنی تبریزی» (۱۳۹۰)، «گنس» (۱۹۹۲)، «چن و زانگ» (۱۹۹۹) و «مانینگ» (۲۰۱۴) همسوست.

همچنین رابطه منفی یا معکوس بین اثربخشی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی در این پژوهش، مؤید نظریه‌های دال، سیمن، نظریه «جامعه‌پذیری عدم اثربخشی»، نظریه انگیزه‌ابزاری و نظریه درماندگی آموخته شده است که بیان می‌دارد زمانی که افراد حس کنند کنش‌های آنها بر ساختار جامعه و مکانی که زندگی می‌کنند تأثیری ندارد، این احساس بی‌تأثیری برای آنان ملکه ذهنی خواهد شد و به مرور

نسبت به مسائل مختلف جامعه بی‌تفاوت می‌شوند. در واقع، وقتی فرد احساس کند در درک مسائل اجتماعی ناتوان است، یا احساس فقدان اظهارنظر درباره مسائل روز توسط افراد جامعه وجود دارد و یا احساس کند کنترل کمی روی حوادث دارد، احساس عدم اثربخشی خواهد کرد که این احساس، بی‌تفاوتی را در او ایجاد خواهد کرد.

در نهایت، تحلیل رگرسیون چندمتغیره در تحقیق حاضر نشان داد متغیرهای تحقیق توانسته‌اند ۴۸٪ از واریانس بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین کنند و مابقی این واریانس ناشی از متغیرهایی است که خارج از حوزه بررسی این تحقیق بوده‌اند.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر و با عنایت به این امر که نظریه‌پردازان توسعه معتقدند توسعه همه‌جانبه و پایدار یک کشور نیازمند مشارکت است و بی‌تفاوتی کلیه آحاد جامعه به‌ویژه قشر تحصیلکرده منجر به خمودگی اجتماعی خواهد شد، معتقدیم چنانچه قشر دانشگاهی دارای احساس انومی بالا و عدم احساس اثربخشی مناسب در حوزه‌های گوناگون اجتماعی باشد، موجب بی‌تفاوت شدن آنان در عرصه‌های مختلف، بی‌معنایی، پوچ‌گرایی و به‌وجود آمدن جامعه‌ای توده‌ای و منفعل می‌شود و یا در بعضی موارد، چنان که «سیمن» اشاره کرده است، به انزوای فرهنگی یا جدا افتادگی فرهنگی منجر خواهد شد که در آن یا افراد منزوی می‌شوند یا پدیده فرار مغزها اتفاق خواهد افتاد که در هر صورت جامعه از کارایی و توانمندی افراد توانمند خود محروم خواهد شد. بنابراین، لازم است مسئولان با توجه به نقش ویژه زیارت در این بین، توجه ویژه‌ای به آن به‌ویژه در بین دانشجویان داشته باشند. علاقه معنوی دانشجویان نسبت به زیارت و انجام مناسک دینی در ایام زیارت مشهدالرضا (علیه‌السلام) یک عامل تقویت‌کننده در این میان است که می‌تواند با مشوق‌های دانشگاهی همراه شود و نتایج درخشانی را در جامعه دانشگاهی کشور از خود بر جای بگذارد.

منابع و مآخذ

- احمدی، سیروس. (۱۳۸۸). «بررسی نועدوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره دهم. ش ۲. صص ۱۰۸-۸۷.
- ارونسون، لیوت. (۱۳۸۶). روان‌شناسی اجتماعی. مترجم: حسین شکرکن. چاپ هجدهم. تهران: رشد.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- حبیب‌زاده، افشین. (۱۳۸۵). بی‌تفاوتی سیاسی کارگران و تأثیر آن در کاهش مشارکت سیاسی آنان در جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد رشته علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکزی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۷). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فولادیان، احمد. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال پنجم. ش ۱۷. بهار ۹۴. صص ۱۴۴-۱۲۵.
- کلاتری، صمد؛ ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول و سیروس احمدی. (۱۳۸۶). «بررسی بی‌تفاوتی و نועدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن». دو ماهنامه دانش‌ورفتار دانشگاه شاهد. سال چهاردهم. ش ۲۲. اردیبهشت ۸۶. صص ۳۵-۲۷.
- کرایب، یان. (۱۳۹۵). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر آگه.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ش ۲۶. صص ۱۸۲-۱۱۹.
- محسنی، علیرضا و صدافتی فرد، مجتبی. (۱۳۹۰). «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران. مورد پژوهش: شهروندان تهرانی». جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان. دوره ۲۲. ش ۳. صص ۲۲-۱.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی». اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ش ۱۶۷-۱۶۸. صص ۱۶۵-۱۵۲.
- مظلوم خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن و خلیفه، محمدرضا. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۷۸». جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست‌وسوم. شماره پیاپی (۴۵). ش اول. صص ۸۰-۵۱.
- ممتاز، فریده. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی شهر. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نادری، حمدالله؛ بنی‌فاطمه، حسین و حریری‌اکبری، محمد. (۱۳۸۹). «الگوسازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. پاییز و زمستان ۱۳۸۸. صص ۵۹-۲۹.
- ویر، ماکس. (۱۳۶۷). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. ترجمه احمد صدراتی. تهران: انتشارات نشر مرکز.

- Al.Mizjaji, Almad Dawood(2001) *Public Apathy Towards Bureaucracy As a Constraint On The Development Of Saudi Arabia*. Public Administration Quarterly, Fall , 2001 4/25,3,ABI/inform Global. P: 270.
- Chen.j & Zhong,Y(1999)*Mass Political Interest(Or Apathy) in Urban China*. Communist and Post- Communist Studies, Vol 32.
- Dahl,Robert A.(1983) *Modern Political Analysis*. Third Edition, New Delhi, Yale University.
- Dean,Dwight . G(1960) *Alienation and political apathy*. Social forces ,Vol 38, No.3.
- Gans,H(1992) *Political Participation and apathy*. Phylon .Vol 13.
- Kaplan-Sadock(2010) *Clinical Psychiatry*. Sixth Edition. Wolters Kluwer Health/ Lippincott Williams & Wilkins Press.
- Latane, B. Darelly .J,M(1970) *The unresponsive bystander, Why dose not he help?*, New York: Appleton-century-crofts.
- Manning, Nathan,(2014) *The relational self and the political engagements of young adults* ,Journal of Sociology December 500-50:486 2014,first published on November 26.2012.
- Piliavin,J,A. Charng,H,W(1990)*Altruism :A review of recent theory and research*, Annual Review of Sociology.16.
- Rosenberg,M (1995)" *Some determinats of Political Apathy*",The public Journal,Vol.32, pp:10-1.
- Ross,C,E & Mirowsky,J & Pribsh,S(2001) *Powerlessness Amplification of thraet: Neighborhood Disadvantage ,Disorder,and Mistrust*. American Siciological Review,Vol 66.
- Ross,M.H(1975) *Political Alienation ,Participation and Ethnicity: An African Case* . American Journal of Political Science.XIX,Vol2.
- Sarfaraz, A, ahmed, sh,(2012) *Reasons for political interest and apathy among university students: A Qualitative study*, Pakistan journal of social psychology, vol 10, No, 67-61 ,1.
- Seeman,M(1959): *On The Meaning of Alienation*. American Siciological Review Vol 24.
- Solmitz, David. (2000) *The Roots of Apathy and How Schools Can Reduce Apathy*. (November 2000 ,4)
- .[Http://Www.Rem1.Org/Loca_Voices/Summer2000/Education/Apathy.Htm](http://Www.Rem1.Org/Loca_Voices/Summer2000/Education/Apathy.Htm).
- Southwell, P.L. (2003), *The Politics Of Alienation: Nonvoting And Support For Third -Party Candidates Among 30-18 Years Old*. The Social Science Journal, Vol; 40, PP: 107-99.

- Van Snippenburg ,Leo B & Peer Scheepers(1991) *Social Class and Plitical Behavior During a Period of Economic Stagnation : Apathy and Radicalism in the Netherland.* Political Psychology. Vol 12 . No1.